۱۵۴۰

سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

اداره مخطوطات

نام کتاب: ترجمة الخواص = تفسیر زواری (ج ۱)

مولف متن: علی بن حسن زواری — محشی:

شارح:

تاریخ تحریر: — مترجم:

نام کاتب: — نوع خط: نسخ — تعداد سطر: ۲۹

موضوع: تفسیر

طول: ۳۴٫۵ — زبان: فارسی — عدد اوراق: ۲۸۵

وقفی / ~~خریدی~~: مرحوم محمدحسین خسروی — عرض: ۲۳ — شماره عمومی: ۳۴۵۴۸

ملاحظات: توسط محمدحسین منصوری — تاریخ وقف: تیر ۱۳۱۶

* نسخه آسیب دیده

آفت زدائی شد

۸۸٫۶٫۱۵

اداره مخطوطات

فیلمتک

سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد بی حد و شکر بی عد منعمی را سزد که شقایق حقایق قرآنی
در حدایق صدور انسان شکفانیده و غنچه های انوار اشارات آن را
بهار دقایق قرآنی اعتصام جان و جنان ایشان ساخته و
از حضرت نبی جلیل العزت اوج علم [illegible] دینی
و دنیوی اهل تکلیف را بر احکام صحیفه آسمانی بهادر تامل و تفکر
و تدبر کار فرموده بدین [illegible] نمایند و از نعیم جاویدانی و
نعیم جنانی بیابند و صلوات سامیات و تحف تحیات زاکیات
بر سید رسل و نبی کل [illegible] ایوان نبوت [illegible]
رسالت مخاطب خطاب معجز نظام و ما ینطق عن الهوی متکلم بکلام میمنت
انجام ان هو الا وحی یوحی محمد مصطفی و بر آل نامدار و عترت عالی مقام
و اله هر یک در عمان علم مانند جوهر کان حلم خصوصا بر آن سید الاصفیا

امثال و صبیان [illegible] که شرف به تشریف لا فتی امیر المؤمنین
و امام المتقین و صدیق اعظم [illegible] علی المرتضی المجتبی صلوات الله
علیهم لعلی تعالی لا علی الله الابد بر ارباب دین مبین و اصحاب یقین
مبین و مبرهن و معین است که الفاظ شریفه قرآنی در نهایت فصاحت
و غایت بلاغت است و معانی لطیفه فرقانی که لا رطب و لا یابس الا
فی کتاب مبین [illegible] و نواتی و مقاصد دینی
مطالب دنیوی استنباط [illegible] ورنگ جهالت و غفلت بدان وسیله
از آینه ضمیر خود زدوده و بلا شک دولت عاجل و سعادت آجله و
حاصل است و فاید او عام است و نفعش تمام و بعضی از ارباب تفسیر رحمهم الله
العلی الاعلی از برای سهولت تام بترجمه آن اقدام نموده اند و در معانی
آن را بروی خاص و عام کشوده لیکن اکثر آن از اظهار آیات باهرات که
شان امیر المؤمنین و از مناقب باقی اهل بیت سید المرسلین است علیهم الصلوة

والسلام خالی است و از احکام آنچه مطابق و موافق طریقه حقه جلیه ایشانست عاریست بنابرین بنده حقیر قلیل البضاعة
علی بن حسن الزواری احسن الله احواله و جعل بالخیر آماله مرتکب ترجمه آن شد که اتمام یافته بترجمة الخواص و وجیزی
که آنچه در شان امیر المومنین و آل سید المرسلین صلوات الله علیهم اجمعین باشد بر اقوال محققان اهل تفسیر روح الله ارواحهم
اظهار نماید و هر چه از مناقب ایشان از منطوق آن مفهوم گردد ایما بآن کند و از احکام آنچه از اقوال در باره ایشان بود
و آن نیز که مطابق و موافق حقیه ایشان باشد مبین گرداند و ترجمه مواهب علیه نور الله مرقد مولفها در بین ترجمه بقدر
احتیاج بشرط توافق منظور داشته و از برای سهولت طالبان طریقه اطناب را گذاشته مگر در سوره رفیعه فاتحه
که اصل همه کتب و ام القرانست و صحت صلوة که افضل اعمال بدنی است منوط بر آنست و امور عجیبه و علوم غریبه در آن مندرج
بمرتبه که مرغ ایجاز را در مجال پرواز نیست لاجرم اطناب را گشیدن داشتن در آن اقرب و اولی است و در باقیات
بجهت ضبط و انحصار ایجاز و اختصار انسب و اولی و احری والله الموفق والمولی و قبل از شروع در بیان ام الکتاب
فواید و نکاتی چند در باب استعاذه گفته می شود الاستعاذة اعوذ بالله من الشیطان الرجیم پناه می گیرم و التجا می نمایم
بعلیم و باری رحیم و فریاد میخواهم بمعبود بحق و خداوند مطلق از شر و وسوسه دیو فریبنده رانده از رحمت بالحرمان شده
شده از ریاض جنان یا رمیده گشته از طبقات آسمان بدانکه استعاذه یکی از ضروریات طالبان درجات و عطیات است و همه
پیغمبران صلوات الله علیهم باستعاذه اقدام نموده اند و بواسطه آن بفوز و فلاح دارین مشرف گشته اند اول نوح علیه السلام
بحق تعالی استعاذه نموده گفت رب انی اعوذ بک ان اسالک ما لیس لی به علم حق تعالی آن استعاذه او را قبول نمود بعد از ان
دو خلعتش کرامت فرمود یکی برکت و دیگری سلامت که یا نوح اهبط بسلام منا و برکات علیک دیگر ابراهیم خلیل صلوات
الرحمن علیه آن وقت که او را در آتش می انداختند استعاذه بحق نموده گفت اعوذ بالله خلقنی فهو یهدین من شر من عصاه فاذا نی
حق تعالی قبول فرموده دو خلعتش ارزانی داشت یکی خلت که و اتخذ الله ابراهیم خلیلا و دیگری سلامت که یا نار کونی بردا و سلاما
علی ابراهیم دیگر یوسف صدیق علیه السلام بحق تعالی پناه برده گفت معاذ الله انه ربی حق تعالی ورا پناه داد و دو خلعت بوی یکی
عصمت که کذلک لنصرف عنه السوء و الفحشاء و دیگر مملکت که و کذلک مکنا لیوسف دیگر موسی علیه السلام بحق تعالی پناه برده گفت انی
عذت بربی و ربکم ان ترجمون حق تعالی ورا پناه داد با دو خلعت یکی مکالمت که و کلم الله موسی تکلیما دوم قربت که و قربناه
نجیا دیگر زن عمران مادر مریم علیها السلام پناه برد بحق جل و علا که انی اعیذها بک و ذریتها من الشیطان الرجیم پناهش داد با دو خلعت
یکی دختر نیک اختر چون مریم که و انی سمیتها مریم و دیگر تقبل و تربیت که فتقبلها ربها بقبول حسن و انبتها نباتا حسنا بعد از ان
مریم نیز پناه برد که انی اعوذ بالرحمن منک ان کنت تقیا حق تعالی پناهش داد با دو خلعت یکی فرزند ارجمند چون عیسی علیه السلام
که فناداها من تحتها الا تحزنی و دیگر رفع تهمت زوری که قال انی عبد الله آتانی الکتاب و جعلنی نبیا و جعلنی مبارکا این ما کنت
و اوصانی بالصلوة و الزکوة ما دمت حیا اما پیغمبر ما صلی الله علیه و آله به پروردگار خود پناه برد که رب اعوذ بک من همزات الشیاطین و اعوذ
بک ان یحضرون حق سبحانه و تعالی پناهش داد خلعتها و کرامتها یکی متبوعیت در دنیا که ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم
الله و دیگر شفاعت در عقبی که عسی ان یبعثک ربک مقاما محمودا و دیگر افضلیت و خاتمیت که و لکن رسول الله و خاتم النبیین و دیگر
دختر نیک اختر مثل فاطمه زهرا علیها السلام و دیگر وصی و داماد مثل امیر المومنین صلوات الله علیه که انا اعطیناک الکوثر و دیگر
نسل پاکیزه و ذریت طاهر مانند ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین که انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم

نوح
ابراهیم
یوسف
موسی
مریم

تطهیرا

تطهیرا پس بنده مومن باید که بمتابعت ایشان استعاذه نماید بحضرت عزت به تخصص در حین تلاوت
تا حق سبحانه و تعالی او را در پناه خود راه دهد تا او را نیز دو خلعت کرامت کند یکی رضا که رضی الله عنهم
و رضوا عنه و دیگری لقا که مقام قربست که فمن کان یرجوا لقاء ربه فلیعمل عملا صالحا و استعاذه
متنوع است بعضی بزبان کلمه اعوذ گویند و با رکان متابعت نکنند آن استعاذه را حدثان فاین نباشد و استعاذه
حقیقی آنست که مرد در ورود شیطان و طریق اغوا و اضلال او باز شناسی و از هر سبیل که بقصد تضلیل تو می آید
سر راه بروی در بندی و ارباب مجاهده که عنان اختیار از دست آن مکاره بوده اند فرموده اند که از ده باب در
می آید اول از باب حرص و از ا بقناعت توان بست و کریمه و ما من دابة فی الارض الا علی الله رزقها نصب العین
خود ساخت دوم از باب زندگانی و طول امل در می آید از ا بخوف موت مفاجات مسدود باید کرد و التجا بکریمه
و ما تدری نفس ماذا تکسب غدا و ما تدری نفس بای ارض تموت برد سوم از ممر طلب راحت و نعمت در می آید
از ا بزوال نعمت و سوء حساب مقابله باید نمود و تادیب آن بوعید ذرهم یاکلوا و یتمتعوا و یلههم الامل فسوف یعلمون
باید کرد چهارم بمعبر عجب و خودبینی در می آید و آن رهگذر را بخوف عاقبت مسدود و تقویت از آیت فمنهم شقی و
منهم سعید باید ساخت پنجم دخل و تصرف وی از ممر حسد استخفاف برادران مومن است از ا بجهت داشتن
و معرفت حقوق ایشان سد رت باید نمود ششم ممر عبور وی از ممر حسد است از ا برضا بقسمت الهی و عدل در حکم باید
مقابله باید کرد و استدلال بدلیل نحن قسمنا بینهم معیشتهم فی الحیوة الدنیا باید نمود هفتم از راه ریا و سمعه و طلب
ثنا و خودنمایی در می آید آن طریق را با خلاص باید گرفت و اعتماد بکریمه و لا یشرک بعبادة ربه احدا باید کرد هشتم از
راه بخل در می آید دل را بفنای ما عندکم ینفد و ما عند الله باق قرار باید داد و به بقاء ما عند الله باق قرار باید داد نهم راه کبر
وی گشاده است از ا بقوت بازوی تواضع تنگ توان ساخت و بحکم ان اکرمکم عند الله اتقیکم بزرگی و کرامت را در
تقوی و پرهیزکاری باید داشت دهم ممر آمد شد او از راه طمع است دست طمع را از خلق کوتاه باید کرد و روی بخزینه
کرم نامتناهی الهی باید آورد و آیت عالیه ایت و من یتق الله یجعل له مخرجا و یرزقه من حیث لا یحتسب بدرقه
راه و اعتماد گاه خود ساخت و الحمد لله علی ما هدانا نکته اگر گویند چه حکمت است در عدول از بالله اعوذ با عوذ
بالله با آنکه اول مفید حصر است و آن ابلغ است جواب آنست که اینجا اهتمام بذکر تعوذ است چنانچه اهتمام بذکر
قرائت در اقرا باسم ربک لاجرم در هر دو محل تقدیم عامل آمد بر معمول و آنجا که تقدیم معمول اهم بود چون بسم الله
چنانکه مذکور خواهد شد انشاء الله تقدیر عامل بعد از معمول مد چنانکه بسم الله ابتدا زیرا که در تسمیه ابتدا باسم
الله اهم است چنانچه در استعاذه ابتدا به تعوذ اتم است نکته دیگر عدول از فعل ماضی بمضارع با آنکه گفت اعوذ و
نگفت عذت بجهت اعتبار تجدد و استمرار تواند بود نکته دیگر لفظ اعوذ اگرچه خبر است اما بمعنی دعاست تقدیرش
اللهم اعذنی نکته دیگر حکمت در عدول از انشا بخبر آنست که بنده اظهار فعل خود کند گوئیا میگوید که من با وجود
انانیت و قصور بشریت بعهد عبودیت وفا نمودم و گفتم اعوذ بالله خداوندا تو با نهایت کرم و غایت فضل و رحمت
سزاوارتری که بعهد ربوبیت وفا نمایی دیگری که اعیذک من الشیطان الرجیم بنده من تو پناه خواستی با وجود ضعف بشریت
من چگونه پناهت ندهم با کمال قوت و قدرت ربوبیت نکته دیگر باید دانست که مقصود از استعاذه منحصر نیست در دفع

کم شد وضایع گشت شناختن ایشان بعملهای نیکو نمای در زندگانی دنیا و ایشان می پندارند که ایشان نیکو
میکنند و در روایت ابی الجارود از امام ابی جعفر محمد بن علی الباقر علیهم السلام وارد شده که ایشان کشیشان و رهبانان
واهل شبهات واهوای باطله و بدع از اهل قبله اند مثل خوارج ونواصب وغیر ذلک از اهل خلاف که همه عملهای ایشان
باطلست از نماز و روزه و زکوة و حج و ثواب بران متفرع نیست اولئک الذین کفروا بآیات ربهم ولقائه فحبطت
اعمالهم فلا نقیم لهم یوم القیامة وزنا آنگروه که ذکر کرده شدند آنانکه کافر شدند بآیتهای پروردگار خود که
قرآنست یا دلایل توحید یا اوصیای پیغمبر صلی الله علیهم ولقای ثواب و در آخرت پس تباه کارهای ایشان که در
صورت نیکو بود و بدان جزای خیر نخواهند یافت پس اقامت نخواهیم کرد برای اعمال ایشان روز رستخیز
ترازوی که بدان بسنجند آن عملها را چون همه حبطه شده و نابود گشته یا ایشانرا وزنی نخواهیم نهاد
یعنی مقداری و اعتباری نخواهند داشت بلکه خوار و مبتذل خواهند بود ذلک جزاؤهم جهنم بما کفروا
واتخذوا آیاتی ورسلی هزوا انست که کار که گفته شد از بطلان عمل و کم قدری و بی اعتباری ایشان
یا داشت ایشان دوزخ است بسبب آنکه نگرویدند و فرا گرفتند آیتهای کتاب مرا علی بن ابراهیم رحمه الله
گوید یعنی اوصیای رسول مرا که در کتاب بیین اند و فرستادگان مرا افسوس کرده شده یعنی با نبی و اوصیای
وی بخریه کردند ان الذین آمنوا وعملوا الصالحات کانت لهم جنات الفردوس نزلا خالدین فیها
لا یبغون عنها حولا بدرستی آنانکه بگرویدند بکتاب و رسول و وصی وی و کردند عملهای شایسته و پسندیده
هست مر ایشانرا در حکم خدای تعالی بهشتهای فردوس یعنی بوستانهای مشتمل بر اشجار که اکثر آن تاک بود
پیشکش باشد در تهیات آورده که خدای تعالی فردوس را بید قدرت خود آفرید و بمقدار هر روزی از روزهای
دنیا پنجاه کرت بدو نظر فرماید که افزون سازد حسن و جمال و تازگی و پاکی و نازکی خود را از برای دوستان
من و اینچنین منزلی را نزل دوستان میگوید تنبیه بر آنکه ایشانرا اعطاها باشد که نعیم فردوس بازای آن محتقر
و ما حضری تواند بود و گویند فردوس بلند ترین درجات جنانست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله فرموده فاذا سألتم
الله فاسئلوا الفردوس و قولی انست که اسمی از اسمای جنانست که اهل ایمان در انجا در آیند در حالتی که جاوید
باشند در انجا نجویند از ان بهشتها بدلی یا نطلبند از و تحویل بمکان دیگر زیرا که مطالب ایشان در ان مهیا باشد
علی بن ابراهیم رحمه الله نقل میکند از ابی عبد الله جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام که آنحضرت فرموده که این
آیت در شان ابی ذر و مقداد و سلمان فارسی و عمار بن یاسر رضوان الله علیهم نازل شده که حق سبحانه و تعالی
بهشت فردوس را نزل ایشان ساخته قل لو کان البحر مدادا لکلمات ربی لنفد البحر قبل ان تنفد
کلمات ربی ولو جئنا بمثله مددا بگو اگر باشد آب دریا محیط که شامل ارضست سیاهی که بان چیزی
نویسند برای نوشتن سخنان پروردگار من یعنی معانی قرآن یا معلومات و هر اینه فانی گردد آب دریا
زیرا که جسم است و هر جسمی متناهی باشد پس او به نهایت رسد پیش از انکه برسد و تمام شود علوم پروردگار من
وان نخواهد بود دائم جهت آنکه غیر متناهی است بمدد متناهی کلمات نامتناهی نوشته نشود و اگر بیاریم
مثل دریای محیط مدادات مداد و زیادت افزاییم یعنی او را آخر و غایت نیست گویند این آیت وقتی نازل
شد که یهود مسلمانانرا گفتند در کلام خود میخوانید که ومن یؤت الحکمة فقد اوتی خیرا کثیرا و نیز
حضرت محمد صلی الله علیه وآله انست که او را حکمت داده اند پس علم شما بسیار باشد و دیگر باره میخوانید
وما اوتیتم من العلم الا قلیلا جمع میان این دو سخن چگونه توان کرد حق سبحانه و تعالی درین آیت فرمود
که علم حق تعالی نهایت ندارد هر چند کسی را علم بسیار بود در جنب علم الهی کم از کم میتواند بود قل انما انا بشر مثلکم

یوحی الی انما الهکم اله واحد فمن کان یرجوا لقاء ربه فلیعمل عملا صالحا ولا یشرک بعبادة ربه احدا
بگوای محمد بجز این نیست که من آدمیم مانند شما و دعوی احاطه کلمات الهی نمیکنم این مقدار هست که
بوساطت جبرئیل علیه السلام وحی کرده میشود بمن جز این نیست که معبود شما معبود یکیست بی شریک
پس هر که امید میدارد رسیدن بجزای پروردگار خود یا هر که می ترسد از رسیدن بحق یعنی باز گشتن بدو
در روز رستخیز پس باید که بکند کرداری شایسته یعنی پسندیده خدای و آورده اند که عمل صالح متابعت
حضرت رسالت است صلی الله علیه وآله و سلوک منهاج اهل بیت وی علیهم السلام روایت است
که جندب بن زهیر عامری بحضرت رسول صلی الله علیه وآله عرض کرد که یا رسول الله من عملی از
برای خدای تعالی میکنم اما چون کسی بران مطلع شد خوشدل میگردم آنحضرت فرمود که خدای تعالی
عملی را که غیری در ان شریک باشد قبول نمی کند حق سبحانه و تعالی تصدیق پیغمبر خود را فرستاد
که و باید که سنی که عمل صالح دارد شریک نیارد و انباز نسازد به پرستش پروردگار خود یکیرا یعنی بریا
و تصنع عمل نکند که ریا شرک اصغر است و تباه کند عملها را علی بن ابراهیم رحمه الله در تفسیر آورده که ابو الجارود
روایت کرده از ابی جعفر علیه السلام که آنحضرت فرمود که از حضرت رسول الله صلی الله علیه وآله پرسیدند
از تفسیر این آیت فرمود که هر که نماز گذارد و زکوة دهد و روزه دارد و حج و مناسک آن بجای آرد و هر عملی
که حق سبحانه و تعالی بآن امر فرموده از برای چشم مردم آن عمل کند پس او مشرکست و عمل او نامقبول
درگاه الهی نیست و از ابی عبد الله نقل میکند که آنحضرت فرمود باید که فرا نگیرد و شریک نسازند باولایت آل محمد
صلی الله علیهم غیر ایشانرا و عمل صالح دوستی و پیروی ایشانست پس هر که غیری بولایت ما شریک سازد و بان
اقرار کند و خلافت امیر المؤمنین را علیه الصلوة والسلام منکر شود پس او شرک ورزیده بعبادت پروردگار خود زیرا که
یکی از امور است و عبادت الهی دوستی و پیروی ایشانست بانکه ایشانرا امامان و اوصیاء پیغمبر دانند بعد از رسول
صلی الله علیه وآله پس خلاف آن قدح در عبادت میکند و حکم شرک بران مترتب است و در روایت از حضرت رسول
صلی الله علیه وآله که هر که این آیت را در وقت خواب در خوابگاه بخواند او را در ان خوابگاه نوری پیدا شود که
درخشان گردد تا مکه و در میان آن نور فرشتگان باشند که صلوات فرستند بر وی تا از خواب برخیزد و اگر خوابگاه
در مکه باشد آن نور درخشان بود از مضجع او تا بیت المعمور و ملایکه در میان آن نور طلب رحمت از حق تعالی
کنند برای او تا از خواب بیدار شود و دیگر فرموده که هر که آخر سوره
الکهف بخواند سر تا قدم او نور فرو گیرد و اگر همه
سوره را بخواند آن نور از وی تا آسمان برسد

صدق رسول الله

م

بسم الله الرحمن الرحیم

قد انتهی بالتمام الصحیح [illegible]

روز کر نه شادی ... ماند

... نه دست قلم ... ماند